

فروايد ايمان به كتب آسماني

مهتم وديزين : الحاج سليم عابد « ايمان »

Ketabton.com

۱۳۹۵



تتبع ونگارش :

الحاج امين الدين « سعیدی - سعید افغاني »

مدیر مرکز مطالعات ستراتژیک افغان

و مسؤول مرکز فرهنگي د حق لاره - جرمني

www.masjed.se

فواید ایمان به کُتب آسمانی

بسم الله الرحمن الرحيم

فواید

ایمان به کُتب آسمانی

ایمان:

ایمان در لغت به معنی تصدیق کردن و اقرار کردن است و در شرع به معنی اعتقاد داشتن با قلب و اقرار کردن با زبان و عمل نمودن با اعضاء و جوارح می باشد.

ارکان ایمان و دلیل بر آن:

ارکان ایمان شش اند. به ارتباط الله تعالی در قرآن مجید میفرماید: « لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ » (بقره ۱۷۷)

یعنی: «نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانی، بلکه نیکی این است که به الله، روز آخرت، ملائکه، کتابها و پیامبران ایمان داشته باشید». همچنان در حدیث متبرکه آمده است که: حدیث جبریل است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال می کند و می گوید: «أخبرني عن الإيمان قال أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر وتؤمن بالقدر خيره وشره قال صدقت» متفق علیه: بخاری (۵۰) و مسلم (۸).

«مرا از ایمان خبر ده، ایشان فرمودند: ایمان عبارت است از این که ایمان بیاوری به یگانگی خدا، به ملائکه، به پیامبران، به روز قیامت، به سرنوشت؛ (یعنی تقدیر)، و ایمان بیاوری به خیر و شر آن. گفت: راست گفتم».

فواید ایمان به کتب آسمانی:

- مطابق به تحقیقات که علماء بعمل آورده اند میفرمایند که: ایمان داشتن به کتب آسمانی اهمیت و فواید زیادی برای یک مؤمن مسلمان داشته که ذکر همه ای در این مختصر دشوار است ولی سعی و کوشش خواهیم داشت که مختصراً به برخی اشاره نمایم.
- ۱- اولین فایده که ایمان داشتن به کتب آسمانی دارد اینست که یک فرد مؤمن از لطف و کرم پروردگار خویش اطلاع حاصل مینماید، که پروردگار با عظمت ما، برای اقوام پیشینی ما رسول، نبی و پیامبری فرستاده و در جنب آن کتب و هدایات آسمانی را بدسترس شان قرار داده است، تا بشریت بتوانند حق را از باطل تفکیک نمایند.
 - ۲- دومین فایده ایمان به کتب آسمانی اطلاع و آگاهی از حکمت پروردگار، مبنی بر وضع قانون برای اقوام پیشین متناسب و درخور احوال و نیاز آنان.
 - ۳- سومین فایده ایمان به کتب آسمانی نجات بشریت از دام افتادن در افکار بشری در روشنی کتب آسمانی.
 - ۴- چهارمین فایده ایمان به کتب آسمانی سوق بشریت در مسیر صراط المستقیم.
 - ۵- پنجمین فایده به کتب آسمانی برای یک مؤمن مسلمان اینست که: بشریت بعد از نزول قرآن عظیم الشان به عنوان آخرین و کاملترین کتاب ایمان به آسمانی به سرور و شادمانی عظیمی دست یافتند.

فواید ایمان به کتب آسمانی

طوری که قرآن عظیم الشان با زیبای خاصی میفرماید: « قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ » (سوره یونس، آیه ۵۸) (بگو: به فضل و رحمت خدا - به همین (نه چیز دیگری) - مردمان باید شادمان شوند. این بهترین چیزهایی است نسبت به مال و منال دنیا که گرد می‌آورند (و روی هم‌دیگر می‌گذارند).
 ۶- ششمین فایده ایمان به کتب آسمانی اینست که این کتب و صحایف آسمانی که از جانب پروردگار نازل یافته است، توانست بشریت از سردرگمی فکری و عقیدتی نجات دهند .

خواننده محترم !

یک مؤمن مسلمان مکلفیت دارد تا به کتب آسمانی (تورات، انجیل، زبور و صحف ابراهیم و موسی) ایمان داشته باشد و این ایمان داشتن، جز از پنج بنای اسلامی یک مسلمان و مؤمن محسوب می‌گردد، و اگر یک مسلمان یافت شود که به سایر کتب آسمانی ایمان نداشته باشد، ایمان او مقبول نیست و حتی در جمله مسلمان محسوب نمی‌گردد.
 طوری که قرآن عظیم الشان در این مورد در (سوره نساء آیه ۱۳۶) میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»
 یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید به کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و بر کتابی که از قبل نازل نموده است ایمان بیاورید و هر کس به الله، ملائکه، کتابها، پیامبران و روز آخرت کافر شود در گمراهی بسیار دوری افتاده است». (سوره نساء آیه: ۱۳۶).
 پروردگار با عظمت ما برای بندگان مؤمنش در این آیه امر می‌کند که به الله و پیامبرش، محمد صلی الله علیه وسلم و کتابی که بر او نازل نموده که قرآن می‌باشد و کتابی که از پیش نازل نموده که شامل تمام کتابهای آسمانی پیشینیان مانند تورات، انجیل و زبور می‌باشد، ایمان بیاورند. سپس در آخر آیه بیان می‌کند که هر کس به چیزی از ارکان ایمان کافر شود در گمراهی بسیار دوری افتاده و از مسیر درست خارج گشته است.
 و باز در بیان ایمان به تمام کتابها الله تعالی به بندگان مؤمنش امر می‌کند و میفرماید: « قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره ۱۳۶).

یعنی: «بگوئید به خدا و آنچه که بر ما فرو فرستاده شده و آنچه که به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان یعقوب فرو فرستاده شده و آنچه که به موسی و عیسی داده شده و (نیز) آنچه که به (دیگر) پیامبران از سوی پروردگارشان نازل شده است، ایمان آورده ایم. و در ایمان آوردن به پیامبران بین هیچکدام از آنان تفاوتی نمی‌گذاریم. و فرمانبردار او (خداوند) هستیم».

این آیه متبرکه که در برگزیده ایمان مؤمنان به آنچه خداوند بر آنها به واسطه رسولش صلی الله علیه وسلم نازل نموده و آنچه بر پیامبران که در آیه ذکر شده و آنچه بر بقیه انبیاء نازل شده است، می‌باشد و آنها در ایمان به پیامبران بین هیچکدام فرقی نمی‌گذارند و به تمام پیامبران و تمام کتابهایی که خداوند به ترتیب نازل نموده است، باور دارند.

فواید ایمان به کتب آسمانی

همچنان آیات متعددی که مبین ایمان داشتن به کتب آسمانی میباشد وجود دارد، و در آیات متعددی از قرآن عظیم الشان بدین امر تأکید شده است که اگر کسی به کتابهای آسمانی قبل از قرآن ایمان نداشته باشد او کافر است، زیرا ایمان نیابردن به آن کتابهای آسمانی دیگر به معنای تکذیب آیات خداوند بر دیگر پیامبران است در حالیکه همه ی پیامبران الهی به حق از سوی الله تعالی برای ارشاد انسانها فرستاده شده اند و بعضی از آنها دارای کتاب آسمانی بودند.

یادداشت ضروری :

مسلمانان نباید فراموش کرد که یک فرد مسلمان، باید در مورد ایمان داشتن به کتب آسمانی نکات ذیل را بادقت تام در نظر داشته باشد :

اول :

فرد مؤمن مسلمان باید با تمام دقت بداند که : همه ی کتابهای آسمانی بجز قرآن کریم مورد تحریف و تغییر واقع شده اند. خداوند عزوجل در قرآن عظیم الشان با تمام صراحت بیان داشته است که کتب آسمانی قبلی توسط پیروان شان مورد تحریف، تغییر و تبدیل قرار گرفته است. طوریکه (در آیه: ۷۵ سوره بقره) در مورد حق یهود و تحریف کتاب آسمانی توسط یهود ها میفرماید : « أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ » (آیا امید دارید که به شما ایمان بیابورند در حالیکه دسته از آنها کلام خدا را می شنوند سپس بعد از اینکه آن را می فهمند و در حالیکه می دانستند آن را تحریف می نمودند) .

و در جای دیگری باز هم در مورد تحریف بعمل در کتاب اسمانی توسط یهود ها اشاره نموده میفرماید: « مِنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ » (نساء ۶۴) « و کسانی از اهل یهود کلام را از جایگاه خود تحریف می کنند» .

همچنان پروردگار با عظمت در تحریف کتاب آسمانی میفرماید : « وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ * يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ » (سوره مائده آیات ۱۴- ۱۵).

یعنی: و کسانی که گفتند ما نصاری هستیم پیمان گرفتیم و بخشی از آنچه به آن اندرز داده شده بودند فراموش کردند و ما تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم و به زودی خدا آنان را از آنچه می کردند باخبر می سازد. ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری درمی گذرد.

آیات که در فوق بدان اشاره نمودیم همه بر این امر دلالت دارند که :قوم یهود و نصاری کتابهای نازل شده بر خودشان را تحریف نموده اند. و این تحریف گاهی با زیاد کردن و گاهی با کم کردن در کتب آسمانی صورت گرفته است. از جمله دلیل بر زیاد کردن بر کتاب آسمانی شان این فرموده پروردگار با عظمت است

فواید ایمان به کتب آسمانی

که میفرماید :

« فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ » (سوره بقره آیه : ۷۹).

(ویل به حال کسانی که کتاب را با دستانشان نوشتند سپس می گویند این از جانب خداست تا با بهایی بی ارزش بفروشند پس ویل به حال آنها از آنچه با دستهایشان نوشتند و ویل به حال کسانی که آن را بدست آوردند).

و دلیل بر تنقیص کتب این فرموده پروردگار با عظمت است : « يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ » (سوره مائده آیه : ۱۵). (ای اهل

کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند) و در جای دیگری میفرماید: « قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا » (سوره انعام آیه ۹) «بگو چه کسی آن کتابی را که موسی آورده نازل کرده که برای مردم روشنایی و هدایت است آن را بصورت ورقه هایی در می آورید از آن آشکار و بسیاری را پنهان می کنید».

ولی قرآن عظیم الشان از جمله کتب های آسمانی میباشد ، که از تحریف و تبدیل ، سالم مانده است و پروردگار با عظمت خود مسولیت حفظ و نگهبانی آنرا بدوش گرفته است .
طوریکه در (آیه ۹ سوره حجر این موضوع با زیبایی خاصی آن بیان گردیده میفرماید : «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم).

دوم:

نقطه دوم که در ایمان داشتن به کتب آسمانی قبل از قرآن عظیم الشان ، برای یک فردمومن مسلمان مهم و قابل دقت میباشد اینست که :

۱- فرد مؤمن مسلمان با تمام قوت و قاطعیت تصدیق بدارد که تمام این کتب از جانب خداوند متعالی نازل گردیده است و از جمله کلام الله تعالی می باشند و الله تعالی به حقیقت آنگونه که لایق به خود اوست و بر وجهی که اراده کرده، به آن تکلم نموده است.
الله تعالی می فرماید: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ* نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ* مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (سوره آل عمران آیات ۲- ۴).

یعنی: «الله است که هیچ معبود بحقی جز او نیست همیشه زنده و پابرجا است. این کتاب را در حالیکه مؤید آنچه پیش از خود می باشد به حق بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را پیش از آن برای هدایت مردم فرستاد و فرقان را نازل کرد کسانی که به آیات خداوند کفر ورزیدند بی تردید عذابی سخت خواهند داشت و خداوند شکست ناپذیر و صاحب انتقام است». الله عزوجل خبر می دهد که این کتابها: تورات، انجیل و قرآن از نزد او هستند و این دلالت دارد بر اینکه به آنها تکلم نموده و آنها از او آغاز شده اند و مربوط به غیر او نیستند و برای همین در آخر آیه وعده می دهد که هرکس به آیات خداوند کفر ورزد دچار عذاب شدیدی خواهد شد.

۲- ایمان به اینکه کتب آسمانی تصدیق کننده همدیگرند و هیچگونه تناقض و تعارضی در بین آنها دیده نمیشود ، قرآن عظیم الشان به این موضوع (در آیه ۴۸ سوره مائده

فواید ایمان به کتب آسمانی

(چنین اشاره فرموده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ». و (این) کتاب را به راستی تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم و شاهد است بر تو نازل کردیم» و در مورد انجیل می فرماید: «وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» (سوره مائده آیه ۴۶). «و ما انجیل را که در آن هدایت و نور است و تصدیق کننده تورات است فرو فرستادیم». ایمان به اینها واجب است و اینکه کتابهای خداوند از تمام تناقضات و تعارضات بدور هستند و این از بزرگترین ویژگی کتابهای خداوند نسبت به کتابهای مخلوقات و کلام خدا نسبت به کلام خلق می باشد. زیرا در کتابهای مردم نقص، خلل و تعارض وجود دارد. همانگونه که خداوند در وصف قرآن می فرماید: «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (سوره نساء آیه : ۸۲). «اگر آن از جانب غیر خداوند بود در آن اختلاف بسیاری را می یافتند».

3- اعتقاد راسخ به اینکه تمام کتابها و صحفی که خداوند بر رسولان نازل کرده به وسیله قرآن کریم نسخ شده اند و برای هیچکس از جن یا انس و پیروان کتابهای سابق و نه غیر آنها روا نیست که بعد از آمدن قرآن، خداوند را جز با آن عبادت کنند یا اینکه به غیر آن حکم نمایند. و دلیل بر این مورد در کتاب و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم فراوان است.

الله تعالی می فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (سوره فرقان آیه : ۱). «با برکت است کسی که فرقان را بر بنده اش نازل فرمود تا برای تمام دنیا ترساننده باشد» و میفرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (سوره مائده ۱۶-۱۵). «ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری درمیگذرد. قطعاً برای شما از جانب خداوند روشنایی و کتابی روشنگر آمده است. خداوند هر که از خشنودی او پیروی کند به وسیله آن به راههای سلامت رهنمون می شود و به توفیق خویش آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون می برد و به راهی راست هدایتشان می کند».

پروردگار با عظمت ما به پیامبران خویش امر نموده و میفرماید : که بین اهل کتاب به قرآن حکم نماید: «فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ» (سوره مائده آیه : ۴۸). «بین آنها به آنچه خداوند نازل نموده حکم نما و از هوا و آرزوی آنها بعد از آنکه حق آمد تبعیت نکن» و همچنین می فرماید: «وَأَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (سوره مائده آیه : ۴۹). «و میان آنها به آنچه خداوند نازل نموده دآوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش مبادا تو را در بخشی از آنچه خداوند بر تو نازل کرده به فتنه دراندازد».

و از سنت حدیث جابر بن عبدالله است که عمر بن خطابت با کتابی که از اهل کتاب بود

فواید ایمان به کتب آسمانی

پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و آن را بر پیامبر صلی الله علیه وسلم خواند پیامبر صلی الله علیه وسلم عصبانی شد و فرمود:

«أَمْتَهُوْكَوْنَ فِيهَا يَا ابْنَ الْخَطَّابِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ جِئْتُكُمْ بِهَا بَيِّضَاءَ نَفِيَّةً لَا تَسْأَلُوهُمْ عَنْ شَيْءٍ فَيُخْبِرُوكُمْ بِحَقِّ فَنُكْذِبُوا بِهِ أَوْ بِبَاطِلٍ فَنُصَدِّقُوا بِهِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ حَيًّا مَا وَسِعَهُ إِلَّا أَنْ يَتَّبِعَنِي»
(مسند الإمام أحمد : 3 / 387 ، وشعب الإيمان للبيهقي : (١٧٧) .

یعنی: «ای پسر خطاب آیا در آن در تعجب هستی؟! قسم به کسی که نفس من به دست اوست برای شما آن روشن کننده پاک را آوردم. شما چیزی از آنها نمی پرسید پس به حق به شما خبر می دهند پس به وسیله آن آنها را تکذیب می کنید یا به باطل خبر می دهند شما به وسیله آن آنها را تصدیق می کنید قسم به کسی که نفس من به دست اوست اگر موسی زنده بود چاره ای جز پیروی از من نداشت.»

موضع مؤمن مسلمان در رابطه با آیات آسمانی :

هر زمانیکه مؤمن مسلمان به یکی از آیات از تورات و انجیل و یا سایر کتب و صحایف آسمانی را می شنود و یا بدان مواجه میگردد در مورد میتواند سه موضع و یا سه حالت ذیل اختیار نماید :

اول :

در قدم اول یک فرد مؤمن مسلمان که یک آیه از کتب و یا صحایف آسمانی میشوند که در مخالفت با نص قرآنی است در این صورت وجبیه دینی دارد که : (آیه متذکره را تکذیب کند، زیرا آن تحریف شده است و ما مسلمانان مأمور به ایمان داشتن به آیات تحریف شده نیستیم، زیرا آن آیات تحریف شده از جانب خداوند متعال نازل نشده اند بلکه توسط انسانها تغیر و تبدیل یافته اند و لذا تکذیب آنها بصورت فوری بر ما واجب است)

دوم :

حالت دوم احياناً طوری پیش می آید : آیه ای را که می بیند و یا می شنود همسو و در تایید آیات قرآن است. (در اینحالت بر مؤمن مسلمان است بر آن آیه ایمان بیاورد و نزول آنرا از جانب خداوند تصدیق نماید)

سوم :

حالت سوم طوری پیش می آید که یک مومن مسلمان ، نمی داند که آیا این آیه ای را که می شنود یا می بیند در تایید قرآن عظیم الشان میباشد و یا در مخالف به نص قرآن عظیم الشان است : در حالت بر یک مؤمن مسلمان است که: در اینحالت نه آنرا تصدیق و نه آنرا تکذیب نماید). **پایان**

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**